برشی از روزنامه‌ها

توان موشکی قابل مذاکره نیست

روزنامه جام‌جم در شماره دیروز خود نوشت: اروپایی‌ها با فعال کردن اسنپ‌بک و بازگشت تحریم‌ها خودشان را تحریم کرده‌اند؛ چراکه مجموعه همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران با شرکت‌های اروپایی به‌سرعت به شرکت‌های چینی و غیراروپایی منتقل می‌شود. به این ترتیب، متضرر و تحریم شده واقعی، شرکت‌های اروپایی و نه جمهوری اسلامی ایران هستند. طی روزهای اخیر نیز شاهد بیانیه مشترک نشست وزرای خارجه شورای همکاری خلیج‌فارس و اتحادیه اروپا علیه ایران بودیم. پایگاه‌های نظامی امریکا در خاک کشورهای حوزه خلیج‌فارس است و آنها روابط ویژه‌ای با غرب دارند؛ از طرف دیگر امریکا و غرب به‌دنبال فشار سیاسی به ایران بوده و برای رسیدن به این هدف از همه ظرفیت‌ها استفاده می‌کنند که یکی از آنها ظرفیت کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس است که به نوعی هم‌پیمان با امریکا بوده و روابط ویژه‌ای با کشورهای اروپایی دارند. البته این اقدامات نتیجه‌ای نخواهد داشت و قطعاً جمهوری اسلامی ایران همچنان سیاست‌های منطقی، اصولی و قانونی خود را در همه عرصه‌ها از جمله هسته‌ای، ادامه خواهد داد. درباره برخی ادعاها در مورد صنعت موشکی کشورمان باید تأکید کنیم که توانمندی موشکی ما پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ارتقا یافته و همچنان در حال پیشرفت است. ما برای دفاع از خود در برابر تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این توان نیاز داریم و بر سر صنعت موشکی با هیچ‌کس مذاکره نخواهیم کرد.

از کمپ دیوید تا شرم‌الشیخ

روزنامه ایران در یادداشتی با اشاره به طرح صلح ادعایی ترامپ نوشت: توافق آتش‌بس اخیر غزه در تاریخ منازعه فلسطین پدیده تازه‌ای نیست بلکه امتداد سلسله‌ای از تجربه‌های شکست‌خورده‌ای است که همگی در یک نقطه مشترکند: نادیده گرفتن حقوق بنیادین مردم فلسطین. مرور تاریخ معاصر نشان می‌دهد که پیمان‌هایی چون کمپ دیوید، اسلو و کنفرانس مادرید هر یک به‌جای آنکه گرهی از مسئله فلسطین بگشایند، خود به گرهی تازه در مسیر صلح بدل شدند. علت تکرار این ناکامی‌ها روشن است: تمام این معاهدات، بدون توجه به حقوق مسلم و غیرقابل‌انکار فلسطینی‌ها چون تعیین سرنوشت، بازپس‌گیری اراضی اشغالی، بازگشت آوارگان و حق حاکمیت ملی بر سرزمین مادری شکل گرفتند. وقتی این اصول نادیده گرفته می‌شود و اشغال همچنان تداوم دارد، طبیعی است که مقاومت نیز در اشکال گوناگون ادامه یابد و مسئله هیچ‌گاه به سرانجام نرسد. این همان واقعیتی است که غرب به ویژه ایالات‌متحده، هرگز تمایلی به درک آن ندارد. آنها در پی صلحی هستند که نظم مطلوب خودشان را حفظ کند، نه صلحی که بر پایه عدالت برای فلسطینی‌ها بنا شود. از همین رو، این بحران مانند زخمی کهنه در پیکر خاورمیانه باقی مانده و هر بار با نامی تازه باز می‌شود. با چنین صبغه‌ای می‌توان گفت که طرح کنونی آتش‌بس در غزه در چارچوب سنتی قبلی قرار دارد و به‌طور بنیادی خواست‌های مهم فلسطینیان از جمله بازگشت آوارگان، پایان اشغال و تضمین حقوق بنیادین را مورد توجه قرار نمی‌دهد. از منظر تهران نیز رویکردی ثابت مبنی بر حمایت سیاسی و حقوقی از حق تعیین سرنوشت فلسطینیان و نه مداخله نظامی دنبال می‌شود. ایران بر این باور است که بی‌توجهی به واقعیت‌های میدانی و تاریخی همان‌گونه که تجربه کمپ‌دیوید و اسلو نشان داد، هر روند صلحی را محکوم به شکست می‌کند و پیشنهاد می‌دهد سرنوشت فلسطین از طریق رفراندوم همه ساکنان سرزمین تعیین شود.

فرسایش اسرائیلیات در ماراتن استقامت

روزنامه کیهان در یادداشتی با بیان اینکه جنگ جاری و ریشه‌دار در منطقه، بی‌شباهت به ماراتن استقامت نیست که مسافت‌های طولانی، حتی تا ۴۲ کیلومتر را شامل می‌شود، نوشت: از دو جنگ تحمیلی بزرگ به منطقه در جریان جنگ اول و دوم جهانی که بگذریم، غرب آسیا شاهد ده‌ها جنگ در ۸۰ سال اخیر بوده و برجسته‌ترین آنها، زنجیره‌ای از نبردهاست که حول مسئله فلسطین شکل گرفته است.
مهم‌تر از اصل این نبرد نفسگیر، روایت آن است و طرف عبری- غربی می‌کوشد با دستکاری در روایت، ناکامی خویش را پنهان، بلکه وارونه بازنمایی کند. مجموعه این تحریفات را باید «اسرائیلیات جدید» نامگذاری کرد که می‌کوشد واژگونی بخت رژیم‌صهیونیستی را برعکس روایت کند و جنایت و ترور را جای روند اصلی (پیشروی و فراگیری مداوم گفتمان مقاومت در منطقه و جهان) بنشاند. صهیونیست‌ها و حامیان‌شان، دهه‌ها با ترویج انواع «اسرائیلیات» مسلط شدند، اما حالا به برکت مقاومت مظلومانه و سلحشورانه غزه، نقاب از چهره مافیای جهانی تحریف افتاده است، به همین علت هم تا مرز تبدیل شدن به متهم نسل‌کشی و جنایت جنگی نزد محاکم بین‌المللی پیش می‌روند. آنها اگر قافیه را نباخته بودند، این خودزنی حیثیتی را به جان نمی‌خریدند. مقاومت با همه فراز و نشیب‌ها، یک روند است، نه یک طرح و پروژه کوتاه‌مدت که به سرعت به سرانجام برسد یا بشکند و از بین برود. مقاومت در منطقه، پاسخی به عالمگیرترین رنج بشر، یعنی سلطه‌طلبی اخلاف فرعون در قلب تمدنی جهان (غرب آسیا) است. طبیعی است که قدرت‌های بانی رژیم جعلی صهیونیستی هم با حداکثر توان، پای آن بایستند، اما در مقابل، بالاترین برانگیختی جهانی حتی در قلب بانیان و حامیان جنایات اسرائیل، در دو سال اخیر شکل گرفته و گسترش یافته است. نویسنده نتیجه گرفته است با توجه به بدنامی اسرائیل، احتمال نمی‌رود توافق آتش‌بس، دوام داشته باشد.

مسئله‌ها، نامسئله‌ها و غیبت رصد

روزنامه رسالت در یادداشت دیروز خود با بیان اینکه در هر نظام حکمرانی، تفاوت میان «مسئله» و «نامسئله» مرز میان پیشرفت و درجا زدن است، نوشت: کشوری که توان شناسایی دقیق مسئله‌های واقعی خود را از دست بدهد، هرقدر هم بودجه و شعار داشته باشد، در باتلاق تصمیم‌های سطحی گرفتار می‌شود. ما امروز نه با کمبود برنامه، بلکه با کمبود تشخیص روبه‌رو هستیم و این شاید خطرناک‌ترین کمبود ملی باشد. در ایران، مسائل واقعی گاه زیر انبوهی از حاشیه‌ها گم می‌شوند. نامسئله‌ها با سروصدای رسانه‌ای، جای مسئله‌ها را می‌گیرند و تصمیم‌گیران گاهی به‌جای پرداختن به ریشه‌ها، با شاخه‌ها درگیر می‌شوند. اگر در کشور سازوکاری منسجم برای شناسایی، اولویت‌بندی و رصد اجرای راه‌حل‌ها وجود نداشته باشد، سیاستگذاری ما همچنان در چرخه آزمون و خطا باقی می‌ماند. نویسنده اضافه کرده است: در حوزه رسانه و افکار عمومی، مسئله واقعی بحران اعتماد است، نه کمبود رسانه. تا وقتی سازوکار پاسخگویی، شفافیت و سنجش عملکرد در نهادها نهادینه نشود، هرچه بر حجم رسانه‌ها افزوده شود، شکاف اعتماد پر نمی‌شود. در حوزه سیاست خارجی، مسئله اصلی توازن میان اصول و منافع ملی است. گاهی سیاست خارجی ما قربانی احساسات مقطعی یا رقابت‌های جناحی می‌شود، درحالی‌که باید مبتنی بر منطق پایدار و رصد مستمر منافع ملی باشد. در نهایت در حوزه مدیریت عمومی، مسئله واقعی نبود نظام ارزیابی عملکرد است. تا وقتی مدیران برای تصمیم‌های‌شان پاسخگو نباشند، هیچ برنامه‌ای ضمانت اجرا نخواهد داشت. کشور نیازمند نهادی است که نه برای شعار، بلکه برای تعریف، اولویت‌بندی و پایش مسئله‌ها و راه‌حل‌ها شکل گیرد؛ نهادی که بتواند مرز مسئله و نامسئله را روشن کند، شاخص بسازد و گزارش شفاف ارائه دهد. ما باید یاد بگیریم هر تصمیم، بدون رصد، بی‌معناست. حکمرانی خوب، درک همین نکته ساده است: هیچ سیاستی موفق نیست، مگر آنکه مسئله درست را هدف گرفته باشد و اجرای آن سنجیده شود.

گزارش

چرا برخی در داخل اصرار دارند، پازل دشمن را تکمیل کنند

«شرم‌الشیخ» نمایش یک فریب تاریخی

«سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه روز گذشته در شبکه ایکس نوشت: ایران از دعوت رئیس‌جمهور مصر، السیسی برای حضور در نشست شرم‌الشیخ سپاسگزار است. با وجود تمایل به تعاملات دیپلماتیک، نه رئیس‌جمهور پزشکیان و نه من، نمی‌توانیم با کسانی وارد تعامل شویم که به مردم ایران حمله کرده‌اند و همچنان ما را تهدید و تحریم می‌کنند. اینکه گفته می‌شود تیم رسانه‌ای دولت «بسیار ضعیف» بلکه خودحقیر پندار و واداده است، توصیفی احساسی نیست، بلکه حاصل ارزیابی‌ها از مواضع شاذ و غیرمسئولانه برخی اعضای آن از جمله دو عضو حقیقی شورای اطلاع‌رسانی دولت است که در یادداشتی مشترک از رئیس‌جمهور خواسته‌اند به شرم‌الشیخ برود و با ترامپ دست بدهد! همان ترامپی که وسط مذاکرات ایران با نماینده‌اش در عمان، به رژیم‌صهیونیستی گرای حمله به ایران داد و چند روز بعد هم خود به این حمله پیوست.

هنوز از اظهارات به غایت خوشبینانه سخنگوی دولت درباره اینکه «دولت به‌شدت فعال است تا با پیشبرد دیپلماسی جنگ را از ایران دور کند» چند روزی نگذشته که محمد مهاجری و محمد قوچانی دو تن از اعضای حقیقی شورای اطلاع‌رسانی دولت در یادداشتی مشترک با دعوتنامه وزارت خارجه امریکا از ایران برای شرکت در اجلاس شرم‌الشیخ، آب از لب و لوچه‌شان جاری شده و با آسمان و ریسمان بافتن‌های خود نوشته‌اند: «آقای رئیس‌جمهور اگر نیویورک از کف رفت، شرم‌الشیخ را دریابید.»

«شرم‌الشیخ» پازلی از یک طرح فریبکارانه

سؤال اصلی این است که در شرم‌الشیخ چه می‌گذرد و چه اتفاقی قرار است در آن رقم بخورد؟ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا دو روز پیش در اظهار نظری درباره طرح صلح ادعایی خود با بیان اینکه آنچه حاصل شده فراتر از غزه است، این صلح در خاورمیانه است و شگفت‌انگیز خواهد بود، مدعی شد: فکر می‌کنم ایران بخشی از روند گسترده‌تر صلح خواهد بود. ترامپ به‌وضوح اعلام کرده که آتش‌بس غزه، تنها بخشی از طرحی بزرگ‌تر به نام «صلح خاورمیانه» است که او ادعا می‌کند مرحله اول آن را پیش برده است. در واقع، نقش ترامپ نه میانجی صلح، بلکه منجی نتانیاهو است که با حمایت از آتش‌بس، رژیم‌صهیونیستی را از باتلاق شکست در غزه بیرون کشیده است. او با صراحت گفت: «تماس من با بی‌بی (نتانیاهو) عالی بود. او خیلی خوشحال است و باید هم باشد! این یک دستاورد بزرگ است.» نکته مهم‌تر آن است که ترامپ این آتش‌بس را مقدمه‌ای برای گسترش پیمان ابراهیم می‌داند؛ طرحی که از دوره نخست ریاست‌جمهوری او با عنوان «معامله قرن» آغاز شد و هدف نهایی آن، حذف محور مقاومت از منطقه و تثبیت رژیم‌صهیونیستی به‌عنوان یک بازیگر رسمی در خاورمیانه است، او حتی ابراز امیدواری کرده که ایران نیز به این طرح بپیوندد: «امریکا امیدوار است تهران شریک این مسیر باشد.» این در حالی است که عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران به‌صراحت گفته است: «طرح ابراهیم، خائنانه است و هیچ نسبتی با آرمان‌های انقلاب اسلامی ندارد.»

تصمیم اصولی ایران

جمهوری اسلامی ایران با توجه به دعوت دریافت‌شده برای حضور در اجلاس شرم‌الشیخ و پس از بررسی دقیق ابعاد سیاسی، حقوقی و منطقه‌ای این دعوت، تصمیم به عدم‌مشارکت در این اجلاس گرفت. دلایل این تصمیم کاملاً روشن و مبتنی بر اصول سیاست خارجی ایران و در راستای حفظ منافع ملی و منطقه‌ای است که می‌توان به چند مورد از آنها اشاره کرد:

۱. حضور در اجلاس شرم‌الشیخ به معنای تأیید ضمنی طرح‌هایی است که با منافع ملت‌های منطقه، به‌ویژه مردم فلسطین در تعارض است. این اجلاس که با محوریت طرح موسوم به «صلح ابراهیم» برگزار می‌شود، در عمل به عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه با رژیم‌صهیونیستی و پذیرش نقش رهبری ایالات‌متحده در منطقه منجر خواهد شد.

۲. مشارکت در این اجلاس به‌منزله مذاکره با حامیان و عاملان جنایات گسترده در غزه و دیگر مناطق است. ایالات‌متحده و رژیم‌صهیونیستی با سابقه طولانی در ارتکاب اقدامات غیرقانونی و نقض حقوق بشر، از جمله کشتار جمعی مردم فلسطین و تحمیل جنگ‌های متعدد نمی‌توانند به‌عنوان شرکای قابل اعتماد در مذاکرات صلح مطرح شوند. حضور ایران در چنین فرایندی به معنای مشروعیت‌بخشی به این اقدامات خواهد بود.

۳. تجربه‌های پیشین نشان‌دهنده بدعهدی مکرر ایالات‌متحده در مذاکرات و توافق‌های بین‌المللی است. نمونه بارز این بدعهدی، خروج یک‌جانبه امریکا از برجام و اعمال فشارهای غیرقانونی علیه ایران است، همچنین رژیم‌صهیونیستی بارها تعهدات خود در توافق‌های آتش‌بس با کشورهای منطقه را نقض کرده است. این سوابق منفی، اجلاس شرم‌الشیخ را به فرایندی نمایشی و فاقد اعتبار تبدیل می‌کند.

۴. اجلاس شرم‌الشیخ به‌جای تمرکز بر حل ریشه‌ای بحران‌ها، به دنبال تحکیم نفوذ ایالات‌متحده و رژیم‌صهیونیستی در منطقه است. چنین فرایندی با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران که بر استقلال منطقه‌ای و حمایت از محور مقاومت تأکید دارد، مغایرت دارد.

بر این اساس جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر اصول سیاست خارجی خود و در راستای حفظ منافع ملی و حمایت از ملت‌های مظلوم منطقه، به‌ویژه مردم فلسطین، تصمیم به عدم‌حضور در اجلاس شرم‌الشیخ گرفته است، با این حال برخی در داخل و خارج تلاش دارند این تصمیم را به فرصت‌سوزی در سیاست خارجی ایران به خصوص در ارتباط با تنش‌زدایی با امریکا و بیرون ماندن از ساز و کارهای منطقه‌ای تعبیر کنند.

طرحی برای نجات اسرائیل

فارغ از این موارد، مسائل منطقه‌ای، از جمله موضوع فلسطین، به‌طور کامل از پرونده هسته‌ای ایران و مذاکرات مرتبط با لغو تحریم‌ها جداست و هرگونه تلاش برای پیوند این دو موضوع، نادرست و غیرسازنده است. جمهوری اسلامی ایران از مواضع و تصمیمات گروه‌های مقاومت، از جمله حماس حمایت می‌کند و نقشی قیم‌مآبانه برای کشورهای منطقه قائل نیست. این گروه‌ها و کشورها توانایی دفاع از حقوق و منافع خود را دارند و نیازی به نمایندگی ایران در این زمینه وجود ندارد، از این‌رو حضور ایران در اجلاس که اساساً ارتباط مستقیمی با دفاع از حقوق ملت فلسطین ندارد، ضرورتی ندارد. اجلاس مورد نظر، به‌جای آنکه بستری برای مذاکره در خصوص مسائل فلسطین باشد، صرفاً نمایشی برای اعلام رسمی طرح‌های از پیش‌تعیین‌شده ایالات‌متحده است. تصمیمات این اجلاس پیش‌تر از سوی برگزارکنندگان آن اتخاذ شده است و حضور در آن تنها به تأیید ظاهری سیاست‌های ایالات‌متحده در منطقه منجر می‌شود. چنین فرایندی نه‌تنها به حل مسائل منطقه کمک نمی‌کند، بلکه به مشروعیت‌بخشی به طرح‌هایی می‌انجامد که در تعارض با منافع ملت‌های منطقه است.

طرح ارائه‌شده از سوی ایالات‌متحده، در عمل برای نجات رژیم‌صهیونیستی از چالش‌های کنونی طراحی شده است. این طرح در شرایطی مطرح می‌شود که اقدامات نظامی رژیم‌صهیونیستی و تهدیدات ایالات‌متحده نتوانسته‌اند به اهداف خود دست یابند. شکست رویکردهای نظامی در برابر مقاومت، ایالات‌متحده و رژیم‌صهیونیستی را به این نتیجه رسانده است که راهکار نظامی نمی‌تواند به موفقیت منجر شود، بنابراین این اجلاس و طرح پیشنهادی آن، صرفاً تلاشی برای تحکیم موقعیت رژیم‌صهیونیستی است، از این‌رو مشارکت در آن با منافع منطقه‌ای و سیاست‌های ایران در تضاد است.

غفلت داخلی یا انحراف عمیق

در این میان اما برخی در داخل آگاهانه یا از سر ساده‌انگاری سیاسی با تشویق دولت به حضور در اجلاس شرم‌الشیخ، در زمین پروژه ترامپ بازی کرده‌اند. اینکه عده‌ای، دعوت امریکا را فرصت دیپلماتیک جا زدند، در حالی که حتی عناصر اصلی مقاومت این اجلاس را تحریم کرده‌اند، نشان از غفلت یا انحراف عمیق دارد، از این رو به نظر می‌رسد ضرورت پالایش اساسی در ترکیب شورای اطلاع‌رسانی از هر زمان دیگری آشکارتر شده است. اعضای این شورا نشان داده‌اند کمترین نسبتی با مواضع علنی و اعلام شده رئیس‌جمهور ندارند و باید جای خود را به اشخاصی بدهند که با برنامه‌ها و اهداف دکتر پزشکیان همسویی و هم‌افزایی دارند. شورای اطلاع‌رسانی دولت مستقل از دولت، شأنی ندارد، این شورا باید دیدگاه‌های خود را بر اساس مواضع رئیس‌جمهور تنظیم کند، نه اینکه با مشورت‌های غلط مجموعه دولت را از ریل اصولی منحرف سازد.

دفاعی

فرمانده نیروی زمینی سپاه عنوان کرد

تثبیت امنیت کشور با موشک‌های دقیق سپاه

شلیک موشک‌های دقیق سپاه به قلب سرزمین‌های اشغالی با توکل بر خداوند، نمونه‌ای بارز از اقتدار دفاعی جمهوری اسلامی است که امنیت و صلابت کشور را تثبیت و قدرت بازدارندگی ایران را در منطقه تقویت کرد.

به گزارش سپاه‌نیوز، سردار سرتیپ «محمد کرمی» فرمانده نیروی زمینی سپاه در یادواره سرداران و ۷۷۵ شهید شهرستان مهاباد اظهار کرد: رژیم‌صهیونیستی با حمایت برخی قدرت‌های غربی و شرقی درصدد تضعیف امنیت ملی ایران بود، اما واکنش شجاعانه نیروهای مسلح همراه با هدایت‌های مقام معظم رهبری دشمن را به آتش‌بس وا داشت. یکی از دستاوردهای مهم این جنگ این بود که صدای آزادی‌خواهان جهان علیه جنایت‌های رژیم‌صهیونیستی را تقویت و همگان را به مقابله با جنایت این سگ هار به صف کرد.

فرمانده نیروی زمینی سپاه گفت: شلیک موشک‌های دقیق سپاه به قلب سرزمین‌های اشغالی با توکل بر خداوند، نمونه‌ای بارز از اقتدار دفاعی جمهوری اسلامی است که امنیت و صلابت کشور را تثبیت و قدرت بازدارندگی ایران را در منطقه تقویت کرد.

سردار کرمی همچنین به بیداری جهان نسبت به اسلام و تغییر نگرش‌ها نسبت به دین الهی اشاره کرد و گفت: این تغییر نگرش‌ها، حاصل سال‌ها تلاش، ایثار و شهادت مردم مظلوم و فرماندهان محور مقاومت و کسانی است که با جانفشانی خود پیام عدالت، مقاومت و دفاع از مظلوم را در سطح جهانی منتقل کردند.

وی ضمن تسلیت به خانواده معظم شهدا افزود: شهدا با پروردگار معامله و جان خود را در راه دفاع از حق و عدالت فدا کردند، امروز یاد و راه آنان الهام‌بخش ملت‌ها و امت اسلامی است و نشان می‌دهد فداکاری و ایمان راسخ می‌تواند جهان را متحول کند. سردار کرمی تأکید کرد: خداوند به جامعه‌ای که در راه سربلندی، اقتدار و عزت خود تلاش می‌کند، پاداش می‌دهد و مردمی که برای حفظ امنیت، استقلال و عظمت کشور گام برمی‌دارند، همواره مورد عنایت و برکت الهی خواهند بود.

وی گفت: جنگ تحمیلی، همبستگی ملی و اسلامی، اقتدار دفاعی و بیداری جهانی نسبت به اسلام، میراث‌های گرانبهایی هستند که باید با حفظ ارزش‌ها و ترویج فرهنگ ایثار و مقاومت به نسل‌های آینده منتقل شود.

جمهوری اسلامی تنها حامی مقاومت و مردم فلسطین

امام جمعه مهاباد هم در این مراسم با اشاره به دستیابی به قرارداد آتش‌بس و پیروزی اخیر غزه تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری بود که به صورت علنی و بی‌کم‌وکاست از محور مقاومت و مردم مظلوم فلسطین حمایت کرد.

ماموستا عبدالسلام امامی اضافه کرد: در حالی که بسیاری از هیئت‌های دیپلماتیک کشورهای مختلف به مراسم آتش‌بس دعوت شدند، مشارکت آنها کمرنگ و حداقلی بود، اما جمهوری اسلامی نقش کلیدی و مؤثری در تحقق این پیروزی داشت و حمایت صریح ایران به نقطه عطفی در روند مقاومت فلسطین تبدیل شد.

وی با تحسین شجاعت ایران در دفاع از محور مقاومت افزود: آفرین بر عزت و شجاعت جمهوری اسلامی که ضمن دفاع از مقاومت فلسطین، برای نخستین بار طعم موشک‌های ایرانی را به رژیم منحوس صهیونیستی چشاند و قدرت دفاعی ملت ایران را به رخ جهان کشید. امام جمعه مهاباد ضمن تسلیت به خانواده شهدای ۱۲ روزه تصریح کرد: تظاهرات گسترده و چند هزارنفری امروز در سراسر جهان با هدف حمایت از مردم غزه و محور مقاومت و اتحاد بی‌سابقه امت‌های مسلمان و حتی غیرمسلمان علیه تجاوزهای رژیم‌صهیونیستی، پیامی روشن به جهان ارسال و تصویر اسلام را در سطح بین‌المللی تغییر و به نفع محور مقاومت تثبیت کرد.

امامی تأکید کرد: حمایت بی‌چون و چرای ایران از فلسطین، الگویی برای دیگر کشورهاست و نشان می‌دهد صبر، مقاومت و اتحاد امت اسلامی می‌تواند در مقابل زورگویی‌های جهانی مؤثر باشد. وی با تأکید بر انتصاب سریع سرداران جدید و رشید پس از شهادت فرماندهان دوران جنگ تحمیلی گفت: این اقدام بموقع و حکیمانه مقام معظم رهبری دشمنان ایران را شگفت‌زده کرد و ورق را در جنگ به نفع کشور برگرداند.

گزیده خبر

سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت:

رهبر معظم انقلاب توصیه‌ای درباره لوایح پالرمو و CFT نداشته‌اند

سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: رهبر معظم انقلاب درباره لوایح پالرمو و CFT هیچ توصیه‌ای به مجمع نداشته‌اند.

سیدمحسن دهنوی روز گذشته در واکنش به انتشار مصاحبه‌ای از حجت‌الاسلام غضنفرآبادی، رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با انتقاد از انعکاس نادرست این مصاحبه و با بیان اینکه این مصاحبه تقطیع شده و مربوط به حدود دو سال گذشته است، گفت: نظر رهبر معظم انقلاب که در این مصاحبه مورد استناد قرار گرفته است، مربوط به طرح مجلس برای طرح ساماندهی اسناد عادی و قولنامه‌ای و الزام ثبت رسمی معاملات است و هیچ ارتباطی با لوایح پالرمو و CFT ندارد. وی تأکید کرد: رهبر معظم انقلاب تصمیم‌گیری در مورد لوایح CFT و پالرمو را به مجمع تشخیص محول کردند و در این موضوع هیچ توصیه‌ای نداشتند.

مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از برگزاری چهار جلسه در صحن و نشست‌های کمیسیون مشترک، در جلسه ۹ مهرماه با پیوستن ایران به کنوانسیون CFT به صورت مشروط موافقت کرد. این جلسه به ریاست آیت‌الله آملی لاریجانی و با حضور سران قوا، برخی اعضای شورای نگهبان، وزیر امور اقتصاد و دارایی و وزیر امور خارجه برای بررسی لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) برگزار شد. قرار است، مجلس شورای اسلامی امروز با قید دوفوریت، CFT را بررسی کند.

عباس گودرزی، سخنگوی هیئت رئیسه مجلس در این باره به ایرنا گفت: برابر نظر تفسیری شورای نگهبان هیچ نهاد قانونگذاری حق فسخ، ابطال و رد مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام را تا ۱۰ سال ندارد، از این رو ما در حوزه ابطال و رد مصوبه امکان ورود نداریم، اما بنای طراحان این بحث تعلیق این مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام است. بر اساس این طرح تا زمانی که تحریم‌های مربوط به قطعنامه‌های شش‌گانه ۲۲۳۱ متأثر از اجرای اسنپ بک متوقف نشود CFT اجرا نشود و به عبارتی اسناد تودیع نشود.

عضو هیئت‌رئیسه فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس:

مزاحمت برای کشتی‌های ایرانی آغاز گرفتاری امریکایی‌ها خواهد بود

عضو هیئت‌رئیسه فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس هشدار داد که اگر امریکا به ایجاد مزاحمت برای کشتی‌های ایرانی ادامه دهد، این اقدام «آغاز گرفتاری» برای امریکایی‌ها خواهد بود و تأکید کرد که اگر خلیج‌فارس و تنگه هرمز برای کشتی‌های ایرانی امن نباشد، برای هیچ کشوری امن نخواهد بود.

محمدصالح جوکار، عضو هیئت رئیسه فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خانه ملت با اشاره به اقدامات امریکایی‌ها و برنامه این کشور برای ایجاد مزاحمت در مسیر تردد کشتی‌های ایرانی گفت: هرگونه مزاحمت برای کشتی‌های ایرانی آغاز گرفتاری برای امریکایی‌ها خواهد بود.

وی افزود: اگر خلیج‌فارس و تنگه هرمز برای کشتی‌های ایرانی امن نباشد، قطعاً برای هیچ کشوری امن نخواهد بود.

عضو هیئت رئیسه فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس اظهار کرد: امریکایی‌ها که مواضع اینچنینی علیه ایران دارند، خودشان به خوبی نسبت به توانمندی جمهوری اسلامی ایران واقف هستند.

جوکار خاطرنشان کرد: در جنگ ۱۲ روزه، امریکایی‌ها التماسی نبود که به ایران برای توقف آتش نکنند و بارها به ایران خواهش و التماس کردند تا آتش خود را علیه رژیم‌صهیونیستی متوقف کند.

وی افزود: به اذعان مقامات امریکایی، در جنگ ۱۲ روزه یک‌سوم تل‌آویو با خاک یکسان شده بود. عضو هیئت رئیسه فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس اظهار داشت: امیدوارم امریکایی‌ها از جنگ ۱۲ روزه درس گرفته باشند و برای خود و دیگران هزینه نتراشند.

یادداشت

چرا مقاومت غزه پیروز است؟

«حماس سلاح خود را زمین نگذاشته است، نوار غزه تخلیه نشده است، تل‌آویو کنترل امنیتی کامل بر کل نوار غزه ندارد و هیچ وعده‌ای برای تشکیل «دولت مدنی جایگزین غیر از حماس و تشکیلات خودگردان فلسطین» وجود ندارد.»

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۱۱۳ خود نوشته است: این جملاتی از گزارش یدیعوت آحارونوت یکی از رسانه‌های رژیم‌صهیونیستی است که در واکنش به ادعای نتانیاهو مبنی‌بر پیروزی در غزه نوشته شده است. زمانی که به اهداف جنگ دوساله غزه و پیامدهای آن برای اسرائیل نگاه می‌کنیم بهتر می‌توان در مورد پیروزی‌ها و شکست‌ها نظر داد.

ناکامی نتانیاهو در دستیابی به اهداف اعلامی گواهی روشن بر شکست رژیم است. او پنج شرط کلیدی را برای «پیروزی» تعیین کرد: تسلیم بی‌قیدوشرط حماس، خلع سلاح کامل، غیرنظامی‌سازی غزه، کنترل امنیتی مطلق بر کل نوار غزه و جایگزینی با دولتی مدنی.

اما توافق آتش‌بس که تحت فشار امریکا و با میانجی‌گری بازیگران منطقه‌ای در شرم‌الشیخ امضا شد، هیچ‌کدام از این شروط را محقق نکرد. تا بدین لحظه حماس سلاح‌های خود را حفظ کرده، غزه از ساکنانش خالی نشده، کنترل امنیتی تل‌آویو ناقص مانده و هیچ سازوکاری برای دولت جایگزین مد نظر اسرائیل شکل نگرفته است.

رونن برگمن، تحلیلگر برجسته صهیونیست این عقب‌نشینی را «امتیازات عمیق» توصیف می‌کند و می‌پرسد: چرا نتانیاهو از خطوط قرمز خود گذشت؟ پاسخ دو گزینه تلخ است: یا مسائل امنیتی هرگز حیاتی نبودند و صرفاً بهانه‌ای برای تداوم جنگ بودند یا اسرائیل چاره‌ای جز تسلیم نداشت.

حتی رسانه‌های صهیونیستی مانند هاآرتص اعتراف می‌کنند که توافق، «سیاه را سفید» جلوه می‌دهد، در حالی که اسرای ما که زنده به غزه رسیده بودند اکنون در تابوت باز خواهند گشت. علاوه بر این انزوای اسرائیل در عرصه جهانی، نتیجه مستقیم این ناکامی‌هاست. دو سال بمباران با ۲۰۰ هزار تن مواد منفجره نه‌تنها حماس را نابود نکرد، بلکه چهره رژیم را به‌عنوان قاتل غیرنظامیان عیان ساخت. این مسئله سیاست هاسبارا یا دیپلماسی عمومی اسرائیل برای تطهیر چهره جهانی خود را بی‌اعتبار کرد و امروز هم در عرصه‌های مختلف مانند ورزش به‌دنبال تحریم اسرائیل هستند. پس از دو سال در غزه هیچ‌کس با پرچم سفید تسلیم نشد و زنان و کودکان غزه با فداکاری خود، روحیه ایستادگی را زنده نگه داشتند.

کارشناسان صهیونیست اعتراف می‌کنند، حماس نه‌تنها باقی می‌ماند، بلکه مدیریت آموزشی، بهداشتی و امنیتی غزه را حفظ می‌کند. تبادل اسرا، ۲۰ صهیونیست در برابر ۲ هزار فلسطینی نماد این برتری است. در نهایت طبق قاعده جنگ، برنده کسی است که ارتش دشمن را درهم شکند، نه آنکه غیرنظامیان را قربانی کند. نتانیاهو در نهایت مجبور شد با گروهی مذاکره کند که دو سال وعده نابودی کامل و خلع سلاح آن را داده بود؛ گروهی که در یک مساحت ۳۶۵ کیلومتر مربعی، بیش از ۱۷ سال محاصره بوده و دو سال از سوی اسرائیل با حمایت غربی‌ها تحت شدیدترین حملات بوده است. جهان پس از جنگ غزه تغییر کرده و فلسطین به عنوان نماد عدالت‌خواهی و مقاومت، الهام‌بخش آزادی‌خواهان است.